

ORIGINAL ARTICLE

تحليل تاريخي و اجتماعي واقعه زلزله شيراز در قصايد خمسه پسران وصال

Historical and Social Analysis of Shiraz Earthquakes through Odes of Vesal Sons

Mostafa Nadim¹

1- Associate Professor, Department of History, Faculty of Literature and Humanity,
Shiraz University, Shiraz,
Iran

Correspondence: Mostafa Nadim; Associate Professor, Department of History, Faculty
of Literature and Humanity, Shiraz University, Shiraz, Iran.
mos.nadim@gmail.com

مصطفى ناديم¹
1- دانشيار گروه تاريخ، دانشكده ادبيات و علوم انساني،
دانشگاه شيراز، شيراز، ايران
نويسنده مسئول: مصطفى ناديم، دانشيار گروه تاريخ، دانشكده
ادبيات و علوم انساني، دانشگاه شيراز، شيراز، ايران
mos.nadim@gmail.com

Abstract

From 1269 to 1339H (1852 to 1920 AD), three devastating earthquakes took place in Shiraz, causing numerous human casualties and destruction to the city. The most devastating earthquake, known as the great disaster, happened in 1269 (1825), bringing about the death of nearly a quarter of its inhabitants. In addition to houses, numerous strong and historical constructions, namely Shahcheragh, Madrese khan and the Armenian Church, were destroyed.

The impact of important historical events on literature, especially on poetry has often found in Persian Literature. Hence, the 1269 earthquake in Shiraz was no exception. This event, in fact, coincided with the era of great poets and artists such as Vesal's sons. Vesal's sons showed the tragic event in their poetry. And Davari wrote these poems in calligraphy. The manuscripts of the Odes, describing the earthquake of Shiraz in 1269, are kept in the Library of Parliament

This article aimed at exploring the social and demographic status of the era through analyzing the poems and comparing them with other available resources. This analysis provided us with valuable information scarcely found in the historical sources of the period.

Keywords: Touhid, Hakim Davari, Earthquake, Shiraz, Culture

Received: 26 Jul 2014; Accepted: 3 Sep 2014; Online published: 15 Feb 2015

Research on History of Medicine/ 2015 Feb; 4(1): 25-34

خلاصه مقاله

در طی سالهای ۱۳۳۹ ه.ق تا ۱۲۶۹ ه.ق سه زلزله مهیب شیراز را بشدت لرزانده، تلفات انسانی فراوان و ویرانی و خسارات زیادی را به بار آورد. در این میان زلزله ۱۲۶۹ ه.ق برای شیراز و اهالی آن به عنوان یک بلیه بزرگ شناخته شد. نزدیک به یک چهارم جمعیت شهر از بین رفت و غیر از خانه های مردم، بناهای تاریخی مستحکم چون شاهچراغ، مدرسه خان و کلیسای آرامنه آسیب دید. تاثیر وقایع مهم تاریخی در ادبیات و به ویژه ادبیات منظوم در تاریخ ادبیات ایران پیشینه ای دیرین دارد. مطمئنا در شیراز که شهر علم و شعر و ادب است واقعه زلزله ۱۲۶۹ ه.ق در ادبیات آن عصر نمایان شده است. این حادثه مصادف با زمان حیات شاعران و هنرمندان بزرگی چون پسران وصال بوده است. پسران وصال هر کدام در رثای مصیبت هایی که این واقعه بر مردم وارد ساخت، اشعاری را سروده اند و داوری با خطی خوش و زیبا این اشعار را نوشته است. نسخه خطی قصاید خمسه در توصیف زلزله ۱۲۶۹ شیراز در کتابخانه مجلس نگهداری می شود. این جستار بر آن است این اشعار را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده، با مقایسه با منابع موجود به یافته های مهم تاریخی، اجتماعی، جمعیتی و غیره دست یابد. این بررسی و تحلیل اطلاعات با ارزشی را در اختیار ما قرار می دهد که گاه در منابع تاریخی آن دوره مشاهده نمی شود.

واژه های کلیدی: توحید، حکیم، داوری، زلزله، شیراز، فرهنگ، وقار

مقدمه

نسخه خطی قصاید خمسه در توصیف زلزله سال ۱۲۶۹ ه.ق شیراز سروده پسران وصال شیرازی (وقار، حکیم، داوری، فرهنگ و توحید) به شماره ثبت ۸۵۳۶۰ و به شماره فهرست شده ۹۱۰۸ در همین شماره قفسه در کتابخانه مجلس شورای ملی نگهداری می شود.

کتاب به قطع رقعی به اندازه ۲۰ در ۱۳٫۵ سانت است. این نسخه در ۲۰ صفحه و در هر صفحه به اندازه ۹ بیت نوشته شده است و مجموع اشعار پنج شاعر ۲۶۱ بیت است.

در صفحه آغازین کتاب آمده است: خط مرحوم داوریست، پسر وصال که حسب الاشارة مشیرالملک از بزرگان اعیان شیراز نوشته، جعفر سلطان القرایی. و در پایان قصاید داوری چنین نوشته است: حسب الاشارة بندگان ذی شوکت و شان، سرور اهل صفا و قبله ارباب وفا، حضرت مرتضوی حسب مصطفوی نسب سرکار مشیرالملک دام اقباله العالی به تحریر قصاید خمسه پرداخته شد ولی دریغ که از پریشانی زلزله میسر نشد که چنان شود که از خطش حظی برده شود یا چنانکه پیش نهاد خاطر فاطر بود در خور و حضور مبارکش گردد از آن که در این اوضاع باد و خاک پاک کردن غبار و خاک از قلم دشوارتر از بر شدن بر افلاک است اگر خداوند حیات عاریت برقرار دارد از این به بعد امیدوارم که چیزی در خور ملاحظه جنابش این شکسته بال بر نگارد و من الله التوفیق.

موضوع قصاید پسران وصال در مورد واقعه زلزله شیراز در سال ۱۲۶۹ ه.ق است. در طی حدود سی سال در شیراز چندین زلزله رخ داد که از بین آنها زلزله های سال های ۱۳۳۹ و ۱۲۶۴ و ۱۲۶۹ ه.ق از همه مهیب تر بوده است و در بین این سه زلزله، زلزله آخری قوی تر و خرابی ها و تلفات انسانی آن نیز بیشتر بوده است و به همین دلیل مضمون مهمی برای سرودن شعر از سوی شاعران معروف آن زمان بوده است.

در مقاله حاضر ضمن بیان واقعه زلزله در نوشته های مورخان عصر و سپس بیان ویژگی های اشعار این شاعران به بررسی و تحلیل اشعار پرداخته می شود.

۱- زلزله سال ۱۲۶۹ ه.ق.

در ۲۵ رجب سال ۱۲۶۹ ه.ق برابر با ۱۴ اردیبهشت سال ۱۲۳۲ خورشیدی زلزله مهیبی شیراز را بشدت لرزانده. به گفته کمیته زلزله شورای علمی کشور شدت این زلزله برابر با ۶/۲ در مقیاس ریشتر بوده است. پیش از وقوع زمین لرزه اصلی، چندین پیش لرزه رخ داد که موجب ترس شدید مردم شد. نیم ساعت بعد زمین



لرزه بزرگ دیگری به وقوع پیوست که در پی آن یک مسجد، بخشی از بازار و نزدیک به ۷۰ خانه ویران شده، شمار زیادی از مردم کشته شدند. چند ساعت بعد زمین لرزه اصلی بخش بزرگی از شهر شیراز را ویران ساخت. در این زلزله شاهچراغ، مدرسه خان، کلیسای آرامنه و بسیاری از خانه‌هایی که در زلزله پیشین سالم مانده بود، ویران شد. تا چند روز پس لرزه‌ها همچنان ادامه داشت. به نوشته این کمیته تعداد کشته شده گان ۹۰۰۰ نفر بوده اند. (کمیته زلزله شورای علمی کشور، ۱۳۷۵)

نوشته‌های این کمیته اقتباسی است از منابع اصلی زمان حادثه. خورموجی از مورخان و وقایع نویسان دوره قاجار در مورد حوادث سال ۱۲۶۹ ه.ق در فارس به مرگ بیگلربیگی شیراز، محمد خان پسر میرزا علی اکبر قوام اشاره می‌کند. با مرگ وی میرزا علیخان پسرش به سمت بیگلربیگی شیراز منصوب می‌شود. به گفته خورموجی در دهه آخر ماه رجب این سال به واسطه زلزله ای مهیب بیشتر عمارت‌های شیراز ویران می‌گردد و نزدیک به ده هزار نفر از کوچک و بزرگ و از زن و مرد کشته می‌شوند.^۱

میرزا حسن فسایی در این باره چنین می‌نویسد که نزدیک به یک ساعت پیش از طلوع فجر صادق در شیراز زلزله شدیدی حادث شد و چندین صد خانه ویران و چندین هزار نفر را کشت و چندین هزار نفر نیز در زیر عمارات خرابه مانده و کشته شدند. این زلزله خرابی بیشتر مساجد و مدارس را در پی داشت و مابقی آثار نیز به تعمیر نیاز دارد.^۲

از جمله آثار مهمی که در این زلزله آسیب دید مدرسه خان از مکان‌های مهم دوره صفویه در شیراز بود. در زلزله سال ۱۲۶۹ ه.ق قسمتی از عمارت فوقانی مدرسه ویران شد که در زمان علی اکبر قوام الملک شیرازی تعمیر و اصلاح گردید.^۳ در گنبد شاهچراغ نیز شکافی ایجاد شد که محمد ناصر خان ظهیرالدوله آنرا تعمیر کرد.^۴

از دیگر اماکن مهم که در این واقعه آسیب دید مسجد نو بود. در سال ۱۲۷۱ ه.ق حاجی قوام الملک به تجدید عمارت و ترمیم آن اقدام کرد.^۵ حسن امداد از شیراز پژوهان به نام نیز در تاریخ فارس در دوره قاجاریه به این حادثه مهم اشاره کرده است.^۶

در بین سفرنامه‌های سیاحان و ماموران سیاسی کشورهای دیگر در ایران، بهترین توصیف از واقعه زلزله شیراز از هنریش بروکش است. وی حدود یک دهه بعد از زلزله وارد شیراز شد و پس از دیدن خرابی‌ها و اطلاع از حادثه، شنیده‌های خود را در تحریرات خود نوشته است. توصیفات وی از این حادثه جالب است و در منابع دیگر دیده نمی‌شود. به گفته وی هنگام وقوع زلزله نیمی از مردم شیراز در خواب بودند.

سپیده دم بود، موزنین از گلدسته‌های مساجد، مردم را به نماز می‌خواندند، جمعی برخاسته و مشغول نماز شدند و ناگهان زمین شروع به لرزیدن کرد. زلزله به شعاع ۱۰ مایل در اطراف شیراز گسترش داشت، خانه‌ها، قصور و عمارات و مساجد فرو ریختند و مردم هراسان از خانه‌ها خارج شده و سر به خیابان‌ها و نقاط روباز می‌گذاشتند تا از ماندن زیر آوار مصون بمانند. تلفات این زلزله حدود ده هزار نفر بالغ می‌شد و خرابی و خسارت فوق العاده‌ای در شیراز و حومه آن به بار آمد که هنوز آثار آن باقی است و از آن به بعد اهالی شیراز در ساختن خانه‌ها دقت بیشتری می‌کنند و سعی می‌نمایند خانه‌های خود را مستحکمتر بسازند.^۷

۲- پیشینه تحقیق

در مورد اشعار پسران وصال در مورد زلزله در برخی منابع مطالبی بصورت پراکنده آمده است. بهترین منبع در این مورد کتاب گلشن وصال نوشته مرحوم روحانی وصال پسر عبدالوهاب ملقب به یزدانی پسر ششم وصال و پدر عبدالوهاب نورانی وصال است. این کتاب در مورد خاندان وصال و فعالیت‌های علمی و ادبی افراد این خاندان است. روحانی در مورد اشعار پسران وصال، این اشعار را آورده است.^۸ امداد از شعر داوری در مورد زلزله سال ۱۲۶۹ ه.ق تنها چند بیت را بیان می‌کند.^۹ سامی نیز تنها به بیان چند بیت از اشعار داوری درباره زلزله ۱۲۶۹ ه.ق بسنده

- 1- Khormoji, 1984: 125.
- 2- Hosseini Fsaai, 1999: 800.
- 3- Sami, 1969: 588.
- 4- Ibid: 581.
- 5- Daneshpazhoh, 1998: 136.
- 6- Emdad, 2008: 225.
- 7- Brogesh, 1988: 461.
- 8- Rovhani Vesal, 2007: 178.
- 9- Emdad, 1961: 45.



می‌کند.¹⁰ سیروس رومی در بررسی شیراز در شعر شاعران از حادثه زلزله و چند بیت شعر از پسران وصال اشاره کرده است.¹¹ و بالاخره علی دهباشی به مناسبت زلزله سهمگین ۳۱ خرداد ماه سال ۱۳۶۹ گیلان، مقاله‌ای تحت عنوان "زمین لرزه در شعر کهن ایران" نوشته است. دهباشی در این مقاله در مورد چند زلزله بزرگ در تبریز و شیراز با استفاده از شعر شعرا یاد کرده است. شعر مورد استفاده وی در مورد زلزله شیراز مربوط به همین سال ۱۲۶۹ ه.ق و شعر داوری است. نویسنده در سه پاراگراف کوتاه توصیفات ادبی شاعر را بیان داشته، به مسایل تاریخی نپرداخته است. دهباشی برای آوردن شعر از کتاب مرحوم امداد استفاده کرده و همان اشتباه را در مورد وقار و تاریخ شعر او تکرار کرده است و شعر سال ۱۲۶۹ ه.ق را مربوط به سال ۱۲۶۴ ه.ق می‌داند.¹²

با وجود این اشارات تا کنون بررسی و تحلیل تاریخی مبسوطی از این واقعه در اشعار پسران وصال انجام نشده است.

بحث و بررسی

۱- معرفی شعرای قصاید خمسه

قصاید خمسه در زلزله شیراز سروده پسران وصال است. وصال نامش محمد شفیع، لقبش میرزا کوچک، پدرش محمد اسماعیل فرزند محمد شفیع ابن میرزا اسماعیل است.¹³ وی از بزرگترین شعرای عهد فتحعلیشاه و پسرش محمد شاه است. وی از دوره نوجوانی علوم متداول زمان خود را نزد دانشمندان عصر، از جمله میرزا ابوالقاسم سکوت، از عرفای معروف فرا گرفت و نوشتن انواع خط را آموخت. وصال در فنون شعر استاد بود و در عین تقلید از پیشینیان، صفات اصلی بهترین نمونه‌های شعر کلاسیک را حفظ کرده است.¹⁴

پسران وصال همگی در هنر خوشنویسی و شعر دستی داشتند و اشعار زیبایی از خود بجای گذاردند. اشعار قصاید زلزله متعلق به پنج فرزند وصال است که به ترتیب نگارش شعر در نسخه خطی عبارتند از وقار، حکیم، داوری، فرهنگ و توحید.

به گفته فرصت الدوله میرزا احمد ملقب به وقار پسر بزرگ وصال، در اوایل حال به تحصیل علوم عربیه و ادبیه جد و جهدی وافی داشته تا در هر فنی از فنون شهرتی یافته. خط نسخ را به منتهی خوش می‌نگاشته است. در سنه یکهزار و دو بیست و نود و هشت به سرای جاودانی روی نهاد و صاحب دیوان است.¹⁵

پس از وقار، میرزا محمود ملقب به حکیم پسر بزرگ وصال است. در حکمت علمی و عملی ماهر بود و در نگارش خطوط، خاصه نستعلیق قادر. در سنه یکهزار و دو بیست و هفتاد و چهار در گذشته است.¹⁶

داوری سومین فرزند مرحوم وصال شیرازی است. وی در خط نسخ و نستعلیق استاد بوده است و چندین کتاب مثنوی مولوی نگارش کرده است و در صنعت نقاشی و پیکرنگاری نیز دستی داشته و خط شکسته را نیز به حد کمال رسانده بود و در علوم ادبیه و حکمت یدی طولانی داشته است. وی دارای دیوان اشعار است و انواع شعر را نیکو می‌سروده است. وی در سال ۱۲۸۳ فوت می‌کند.¹⁷

میرزا ابوالقاسم ملقب به فرهنگ فاضلی است گرانمایه و کاملی بلند پایه. به فضایل صوری و معنوی، قدرتی رفیع دارد و به خصایل نفسانی و روحانی، عزى منبع، از خطوط، شکسته و نسخ را نیکو می‌نگاشت. وی در سال یکهزار و سیصد و هشت، جهان فانی را وداع گفت.¹⁸

میرزا اسماعیل ملقب به توحید فرزند پنجم وصال است و در علوم، رتبتی والا یافته است و در خطوط پایه ای اعلی. خلیقی مهربان بوده و صدیقی نکته دان. در سال یکهزار و دو بیست و هشتاد و شش رخت از این سرای باقی به دار باقی کشیده است.¹⁹

۲- ویژگی های نسخه خطی قصاید خمسه

قصاید را به ترتیب وقار، حکیم، داوری، فرهنگ و توحید سروده اند و داوری به خط نستعلیق و به خطی بسیار زیبا به رشته تحریر در آورده است. وقار قصیده خود در واقعه زلزله را در ۶۳ بیت نوشته است که بیت آغازین چنین است.

- 10- Sami, 1969: 710.
- 11- Romi, 2010: 315.
- 12- Dehbashi, 1990: 20.
- 13- Rovhani Vesal, 2007: 17.
- 14- Aryanpur, 1996: 40.
- 15- Forsat Shirazi, 1998: 564.
- 16- Ibid: 567.
- 17- Navabi, 1956: 459.
- 18- Forsat Shirazi, 1998: 561.
- 19- Ibid: 575.



دل در غم و خاطر دژم و سینه به تابست شهری به خروش است و جهانی
به عذاب است
شعر دوم از حکیم و در ۵۷ بیت است که بیت آغاز آن چنین است:
به سال دو صد و شصت و نه از روی هزار زسال هجرت اعظم محمد مختار
شعر سوم از داوری در ۷۰ بیت است که بیت آغاز آن چنین است:
شبی کشیده به رخساره نیلگون معجر به قیر روی فرو شسته توده اعنبر
شعر چهارم از فرهنگ و در ۲۶ بیت است که بیت آغاز آن چنین است:
ازین منازل ویران و این دیار خراب غریب نیست گر آید همی غریو غراب
و شعر آخر از توحید در ۴۵ بیت است که بیت آغاز آن چنین است:
امسال خرمی نبود هیچ در بهار یارب کجا شد آن همه خوشی که داشت یار
رسم الخط اشعار بیشتر به شیوه نگارش در دوره قاجار است که مهمترین این
ویژگی ها عبارتند از:
الف: در زیبا نویسی خط نستعلیق و به ویژه شکسته نستعلیق در دوره قاجار، از
برخی علایم کمتر استفاده می شود و از جمله مهمترین آنها عبارتند:
۱- عدم استفاده از نقطه: مانند عدا بست به جای عدا بست، کر به جای کز،
حوا بست به جای حوا بست.
۲- عدم استفاده از هر گونه علامت ویرایشی همچون کاما، نقطه و غیره.
۳- خطاط در همه موارد به جای گ از ک استفاده کرده است مانند عدالتکر به
جای عدالتگر، رنک به جای رنگ.
۴- خطاط در بیشتر موارد به جای آ از ا استفاده کرده است.
ب: به در همه موارد به واژه بعد متصل است مانند بتابست، بعدابست، بخوابست
و غیره.

۳- تحلیل قصاید خمسه پسران وصال

۳-۱- وقوع حادثه

حکیم در شرح حادثه چنین می گوید:

به خاک شیراز افتاد سخت بومهنی چنانکه خیره شد اوهام و تیره ماند ابصار

داوری نیز به این موضوع اشاره می کند:

چنان بلرزه در آمد زمین که گفתי خاک بشد ز مرکز خود سوی مرکزی دیگر

۳-۲- زمان حادثه

قدیمی ترین منبعی که بطور دقیق زمان واقعه زلزله سال ۱۲۶۹ ه.ق را بیان کرده است، فارس نامه ناصری میرزا حسن فسایی است. وی زمان حادثه را شب ۲۵ رجب سال ۱۲۶۹ می داند.²⁰ پس از وی دیگران و حتی آنها که این اشعار را ندیده اند، همین تاریخ را بیان می کنند که صحیح است اما اشعار چه می گویند. وقار در مورد زمان حادثه چنین می گوید:

هر چند که فصل گل و ایام سرور است دل مایل نقل است و کبابست و شرابست
از خون جگر جانب می کس نکند میل خم کو سر خود گیر که خمخانه خرابست
منظور وقار از فصل گل و ایام سرور بهار است. وقار بیش از این به زمان حادثه
نپرداخته است و تنها سال واقعه را گفته که بنا به موضوعی خاص گفته می شود.
توحید نیز تنها به بهار بودن زمان حادثه اشاره می کند.

امسال خرمی نبود هیچ در بهار یارب کجا شد آن همه خوشی که داشت یار
داوری به اینکه این واقعه در شب رخ داده است می پردازد و البته می دانیم که
زمان حادثه حدود یکساعت پیش از طلوع آفتاب و نزدیک فجر بوده است اما
آسمان تاریک بوده است.

شبی کشیده بر خساره نیلگون معجر به قیر روی فرو شسته توده اعنبر



و در جای دیگر می گوید:

من و سه چار تن از دوستان جانی من بخواب خفته به راحت حجره اندر
 قریب آنکه برآید زبانه خورشید بگاه آنکه بمیرد فتیله اختر
 چنان بلرزه درآمد زمین که گفتی خاک بشد ز مرکز خود سوی مرکزی دیگر

در بین این شعرا تنها فرهنگ است که برج تقویم خورشیدی را بازگو می کند.

دریغ موسم اردیبهشت جشن بزرگ زمان عشرت و هنگام شادابی احباب
 دریغ فصل گل و سیر باغ و گشت چمن دریغ محفل یاران و صحبت اصحاب

و بالاخره دقیقترین توصیف از زمان حادثه در اشعار حکیم مشاهده می شود:

به سال دو صد و شصت و نه از ورای هزار زسال هجرت اعظم محمد مختار
 به رجب چهل و پنج رفته از نوروز که روزگار پر از رنگ و بوی بد زنهار

تا اینجا زمان دقیق حادثه مشخص شد. ۲۵ رجب سال ۱۲۶۹ ه.ق که برابر با برج اردیبهشت بوده و چهل و پنج روز از نوروز نیز گذشته بوده است اما زمان دقیق این روز در تقویم خورشیدی چه روزی می شود.

از بین محققان تنها مرحوم امداد ۱۵ اردیبهشت را بیان کرده است.²¹ اما کمیته زلزله شورای علمی کشور زمان حادثه را ۱۴ اردیبهشت می داند. این تخمین و تقویم هم با شعر حکیم همخوان است و هم با محاسبه برابری سال و ماه قمری با خورشیدی. حکیم به چهل و پنج روز پس از نوروز اشاره دارد که برابر است با ۱۴ اردیبهشت و بر اساس محاسبات نجومی اول فروردین سال ۱۲۳۲ خورشیدی برابر است با ۱۰ جمادی الثانی سال ۱۲۶۹ قمری و ماه جمادی الثانی در سال ۱۲۶۹ ه.ق ۲۹ روز بوده است چرا که دو ماه پیشین ۳۰ روز بوده است²² و با این حساب ۲۵ رجب سال ۱۲۶۹ ه.ق برابر است با ۱۴ اردیبهشت سال ۱۲۳۲ خورشیدی.

نکته دیگر در مورد اشعار پسران وصال، اشتباهی است که برخی از محققان در مورد زمان سرایش شعر وقار داشته اند. سیروس رومی در کتاب ارزشمند خود، شیراز در شعر شاعران، شعر وقار را مربوط به زلزله سال ۱۲۶۴ می داند و در این مورد منبعی را بیان نمی کند.²³ پیش از آقای رومی، مرحوم امداد نیز قصیده وقار مربوط به زلزله ۱۲۶۹ را که در نسخه خطی قصاید خمسه آمده است، مربوط به سال ۱۲۶۴ ه.ق می داند.²⁴ امداد منبع خود را وصال گلشن معرفی می کند. این نسخه در زمان حیات مرحوم امداد و زمان نگارش کتاب ارزشمند ایشان تصحیح نشده بود و این خطا به احتمال زیاد مربوط به نسخه مورد استفاده امداد بوده است چرا که ایشان در کارهایشان دقت لازم را داشته اند اما بهترین منبع ما شعر خود وقار است. وقار در یک بیت به شیوه ماده تاریخ زمان حادثه را بیان می کند.

می شد سخن از حالت ویرانی شیراز تاریخش ازو جستم و گفت آه خرابست

ماده تاریخ در این شعر "آه خرابست" است و می دانیم که ماده های تاریخ را با حروف ابجد محاسبه می کردند و به حروف ابجد عدد این دو واژه برابر است با ۱۲۶۹ یعنی سال وقوع حادثه، در نتیجه شعر وقار مربوط به همان زلزله بزرگ سال ۱۲۶۹ است نه سال ۱۲۶۴.

اتفاقاً در تصحیح اخیر کتاب گلشن وصال در کنار این بیت سال ۱۲۶۹ را آورده است.²⁵ اما معلوم نیست که این تاریخ را خود روحانی آورده است یا مصحح محترم در کنار شعر گذارده است.

در زمان تحقیق مرحوم امداد این نسخه خطی هنوز شناسایی و معرفی نشده بود و یا دسترسی به آن بسیار دشوار بود، به همین روی حتی اشعار بازگو شده از طرف امداد و دیگران با نسخه اصلی تفاوت دارد و این تفاوت های اشتباه ناشی از اشتباه مصححان بوده است نه ناقل آنها یعنی مرحوم امداد و آقای رومی. چنانکه شعر اول وقار را مرحوم امداد چنین می نویسند:

دل درهم و خاطر به غم و سینه به تاب است - شهری بخروش است و جهانی

- 21- Emdad, 2008: 225.
 22- Birashk, 2002: 600.
 23- Romi, 2010: 315.
 24- Emdad, 1961: 43.
 25- Rovhani Vesal, 2007: 178.



بعذاب است²⁶ که در نسخه خطی چنین آمده است:

دل در غم و خاطر دژم و سینه به تاب است شهری بخروش است و جهانی بعذاب است
بهرحال این اشتباهات کوچک چیزی از تحقیقات ارزشمند این عزیزان نمی
کاهد.

۳-۳- تعداد تلفات

آمار تلفات در منابع نزدیک به یکدیگر است. نه هزار یا ده هزار نفر. اما نکته مهم آن است که بدانیم جمعیت شیراز در آن زمان چه تعداد بوده است تا بر آن اساس بتوان به عمق فاجعه پی برد.
نگارنده برای یافتن نتیجه دقیقتر، آمارهای جمعیتی شیراز در طی یک قرن گذشته را مورد بررسی قرار داده است. یکی از ارقام معتبر در مورد جمعیت شهرهای ایران در اوایل سلطنت فتحعلیشاه توسط جام مک دانلد کینر (Kinneir) انجام شده است. وی افسر پیاده نظام کمپانی هند شرقی در دربار فتحعلیشاه بود. ارقام وی مربوط به حدود سال ۱۸۳۰ م است.²⁷ وی جمعیت شیراز را حدود ۴۰ هزار نفر می داند.²⁸ این تاریخ مربوط به حدود بیست و پنج سال پیش از وقوع زلزله است. حدود نیم قرن بعد دو مقام دیگر بریتانیایی از جمعیت شهرهای ایران برآوردی انجام دادند. بر اساس گفته های ک. ای. آبوت (K.E. Abott) شیراز بین ۳۵ تا ۴۰ هزار و ر. ف تامسون (R.F. Thamson) شیراز ۲۵ هزار نفر جمعیت داشته است.²⁹ این زمان نیز مربوط به حدود بیست و پنج سال بعد از زلزله است.
در طی قرن گذشته به دلیل ناامنی، بلوا و اغتشاش و از سوی دیگر عوارض طبیعی چون سیل و زلزله و از همه مهمتر بیماری های واگیر دار مانند حصه جمعیت افزایش زیادی نداشته و به طور دائم متغیر بوده است. چنانکه در سال ۱۲۳۷ ه. ق وبای وحشتناکی از چین و هندوستان و بنادر خلیج فارس وارد فارس شد و از آنجا به سایر نقاط ایران سرایت کرد. در اثر این بیماری حدود شش هزار نفر در شیراز از بین رفتند.³⁰ در نتیجه بنظر می رسد که این ارقام ها دور از انتظار نیست و پذیرفتن تعداد ۴۰ هزار نفر دور از واقع نیست. با این حساب آمار تلفات در شیراز در زلزله ۱۲۶۹ ه. ق حداقل یک چهارم جمعیت این شهر بوده است و این مساله نشان دهنده عمق فاجعه است. با این حال داوری در شعر خود از مرگ سیزده هزار نفر یاد می کند که گفته او نیز چندان بی ربط نیست و نمی توان صرفا اغراقی شاعرانه دانست.

چو گرگ گرسنه خاک سیه دهان بگشاد بخورد ز آدمیان سیزده هزار نفر

وصف مرگ و میر از سوی داوری نیز در عین تاثیر زیباست:

بجز دو رنگ سیاه و سفید نیست لباس به پیکر غنی و مفلس از گروه بشر
سیاه پوش یکی نیمه بر فراز زمین سفید پوش دگر نیمه زیر خاک اندر

۳-۴- وضعیت شهر

پس از حادثه ای چنین مهیب و پر مخاطره وضعیت هر شهری بسیار نابسامان شده و شیرازه آن از هم گسسته می شود. شاعران از این نکته نیز غافل نبودند. وقار چنین می گوید:

با این هم کس را خبری از دگران نیست چون بسته به هم راه دهاست و ایابست

به دلیل بسته شدن کوچه ها و معابر کسی را از کسی خبری نیست.
از دیگر اتفاقات پس از زلزله پراکنده شدن خاک در آسمان بر اثر فرو ریختن دیوارها و سقف خانه ها بود تا آنجا که از این غبار و خاک، قدرت دید مردم بسیار کم شده بود و در بین خاک به دنبال عزیزان خود می گشتند.
حکیم می گوید:

ز بسکه خاک زمین بر هوا زلزله رفت هوا به وزن گرانتر شد از زمین صد بار

و یا داوری چنین می گوید:

26- Ibid.

27- Avery, 2009: 555.

28- Ibid: 558.

29- Ibid: 560.

30- Emdad, 2008: 105.



هجوم خاک چنان تنگ کرد جای هوا
که راند لشکر آتش به پیشگاه قمر
و توحید می گوید:

بالتر از فلک شد جرم زمین کنون
از بس که از زمین به فلک شد روان غبار

۳-۵- خرابی شهر

در منابع از ویرانی شدید شیراز پس از این زلزله و حتی خرابی آثار و ابنیه
مستحکم مذهبی و اداری سخن رفته است اما در این میان به خانه های مردم لطمه
شدیدی وارد شد.

حکیم چنین می گوید:

پدید گشت به یکباره هر چه بود نهان
زبسکه طاق فرود آمد و فتاد جدار

و یا:

چنان خراب شد آثارها که شیخ زود
پی ادای فرایض به خانه خمار

فرهنگ در این مورد توصیف جالبی دارد:

چنان خراب شد آثار این دیار که کس
نشان قبله نداند مگر به اسطراب

۳-۶- ترس مردم

پر واضح آنکه در اینگونه وقایع طبیعی ترس همه وجود مردم را فرا می گیرد
تا آنجا که توان حرکت و فکر کردن و هر گونه اقدامی برای مدتی از آنها سلب
می شود. بنا به گفته این شاعران در این واقعه مردم بشدت می ترسند چنانکه
امروزه روز نیز با همه استحکام بناها زلزله بسیار ترسناک است. نکته دیگر آنکه
اهالی شیراز در طی نزدیک به سی سال شاهد دو زمین لرزه مهیب و تعداد زیادی
پس لرزه بودند در نتیجه ترسی که این شاعران توصیف می کنند کاملاً طبیعی و
درست است.

حکیم می گوید:

ز شیر خواره فراموش کرد دایه ز بیم
ز اضطراب ز زهدان فکند حامله بار

توحید چنین می گوید:

هول آنچنان که دایه نبودی بیاد طفل
هر لحظه از زمین به سماواتیان رسد
بیم آنقدر که یار نجستی نشان یار
فریاد الغیث و هیاهوی الفرار

۳-۷- توصیفات و تشبیهات

یکی از مهمترین ویژگی های شعر تصویر آفرینی است و شاعران بنا به موضوع
شعر خود برای خلق تصاویر بدیع از فنون بلاغت و به ویژه تشبیهات استفاده می
کنند. در مورد حادثه زلزله آنچه بیش از همه برای این شاعران به عنوان حادثه
ای بزرگ و وحشتناک قابل تشبیه بوده است، روز قیامت و روز نشر است چنانکه
همگی به نوعی از این مضمون برای بیان بهتر عمق حادثه اشاره کرده اند.

وقار چنین می گوید:

گیتی همه با ولوله روز نشور است
عالم همه با غلغله یوم حساب است

وقار در تشبیهی دیگر کره خاک را مانند گوی چوگان می داند.

باشد کره خاک بمانند یکی گوی
کز لطمه چو گانش ز هر سوی شتابست

حکیم قیامت را چنین با حادثه زلزله قرین می کند.

همه یکایک شور نشور پیدا شد
بدان صفت که قرآن باز گوید من اخبار

و یا اینکه:

چو در نشور ز آوای صور اهل قبور
برهنه پا و سر آواره مردمان حصار



و داوری چنین وصف می کند:

ز جای جستم و کردم یقین که اسرافیل دمید صور و بپاشد کشاکش محشر

۳-۸- هجوم ملخ

از حوادثی که در طول تاریخ معاصر برای اهالی فارس آسیب ها و زیان های جبران ناپذیری را به همراه داشته است، هجوم ملخ به مزارع و نابود کردن مزارع است. از ابتدای دوره قاجار تا پایان این دوره و نزدیک به یک قرن و نیم اهالی فارس هر ساله و یا چند سالی یکبار با این بلیه بزرگ روبرو می شدند چنانکه همگان از آن اطلاع داشتند و می بینیم که در اشعاری که مربوط حادثه زلزله است شاعران از این بلیه نیز یاد کرده اند.

در تاریخ در دو مورد پیش از وقوع این زلزله، از بلیه هجوم ملخ و نتایج اسفبار آن حتی در امور سیاسی با خبر هستیم.

مورد اول زمانی است که حاکم فارس حسینعلی میرزا (فرمانفرما) در سال ۱۲۴۷ ه.ق مالیات فارس را به نزد فتحعلیشاه به قمشه می برد. حسینعلی میرزا یکی از پسران فتحعلیشاه بوده است. در این دیدار وی برای شاه توضیح می دهد که به سبب بروز وبا و هجوم ملخ مصری، مردم در کمال فقر و پریشانی بسر می برند و گرفتن مالیات از آنها میسر نیست و شاه مبلغ دویست هزار تومان را به مردم فارس می بخشد.³¹

دوازده سال بعد مجدداً شاه برای گرفتن مالیات فارس به اصفهان می رود. فرمانفرما به مدت چهار سال مالیات را نپرداخته است و عذر او برای دربار، هجوم ملخ و شورش حکام بوده است. این بار شاه با خشم مامورانی را همراه حسینعلی میرزا به شیراز می فرستد تا مالیات عقب افتاده را بگیرند.³² این مربوط به ده سال پیش از این واقعه است و در طی این ده سال هم مطمئناً ملخ به مزارع حمله کرده و این بلیه از سر مردم کوتاه نشده است. وقار در این مورد چنین می گوید:

ملکی که ملخ ساخت به تدریجش ویران امروز ازین زلزله یکباره خرابست

حکیم از بی برگ و باری ناشی از هجوم ملخ می گوید:

در این بلای ملخ کز هجوم بر در و دشت نماند پنج گیاهی که برگی آرد و بار

و داوری نیز از بیداد ملخ سخن می گوید:

ملخ فزون و مزارع خراب و کسب کساد همه رعیت بی پا و شهر زیر و زبر

نتیجه گیری

یکی از منابع مهم تاریخی در هر دوره ای متون ادبی است. اگرچه این متون و به ویژه متون نظم با ارایه های ادبی و فنون بلاغت همراه است اما کنکاش و جستجو در این متون اطلاعات با ارزشی در مورد تاریخ اجتماعی ایران را در اختیار مورخان قرار می دهد. اینک اگر موضوع متون ادبی مربوط به یک حادثه واقعی در یک کشور و یا شهر باشد، این اطلاعات بیشتر و با ارزشتر است.

قصاید خمسه از پسران وصال در رثای مصیبت هایی که بر اثر زلزله بر شیراز و شیرازیان وارد کرد از جمله متون ادبی منظوم است که از لایه لای این اشعار و بررسی و تحلیل آنها می توان به برخی مسایل تاریخی و اجتماعی آن دوره مصادف با حادثه زلزله پی برد. اینکه چه میزان خسارت بر شهر وارد شده و تعداد تلفات چه اندازه بوده است و یا بازتاب این حادثه در نزد مردم چه بوده است از نتایج بررسی این اشعار است. به عنوان نمونه از عواقب مهم اما تأثیر بار این زلزله کشته شدن ده تا سیزده هزار نفر از جمعیت شیراز است و با محاسبه بعمل آمده این تعداد تلفات حدود یک چهارم جمعیت شهر را در بر می گرفته که این تعداد قابل تأمل است. بر اثر این زلزله بناهای تاریخی و مستحکم شیراز که سالها از حوادث طبیعی در امان بود، آسیب دید که سپس توسط بزرگان، اعیان و یا حاکمان وقت مرمت شد. هر چه بود این زلزله در روند جمعیتی و پیشرفت و توسعه شهر شیراز توفقی را بوجود آورد که بزودی با همت بزرگ مردان این دیار به سیر طبیعی خود بازگشت و این مطالب از میان این قصاید مشخص است.



References

- Aryanpur Y. [*Az Saba Ta Nima*]. Vol 1. Tehran: Zavvar; 1996. [In Persian]
- Avery P. *History courses: Afshar, Zand and Qajar period*. Translat by Morteza Saghebfar. Tehran: Jami; 2009. [in Persian]
- Birashk A. [*Gahshomari Irani*]. Tehran: Daneshname bozorge Farsi; 2002. [in Persian]
- Brogesh H. A travel To Soltan Sahebgheran. Vol 2. Translat by Mansor Kordbache. Tehran: Etelaat; 1988. [in Persian]
- Daneshpazhoh M. [*Shiraz Negine Derakhshan Dar Farhang Va Tamadone Iranzamin*]. Tehran: Hirmand; 1998. [in Persian]
- Dehbashi A. [*Zamin Larze Dar Shere Kohane Iran*]. *Kelk Magasin*. 1990; 4: 17-22. [in Persian]
- Emdad H. *Fars in Qajar period*. Shiraz: Navid; 2008. [in Persian]
- Emdad H. *Shiraz in Past and Now*. Shiraz: Mousavi; 1961. [in Persian]
- Forsat Shirazi M. [*Asare Ajam*]. Vol 2. Corrected and annotated by Rastegar Fsayy M. Tehran: Amir Kabir; 1998. [in Persian]
- Hosseini Fsaai MH. [*Farsnameh Naseri*]. The second issue. Corrected and annotated by Rastegar Fsayy M. Tehran: Amir Kabir; 1999. [in Persian]
- Khormoji M. [*Haghayeghol Akhbar*]. Try by Khadiv Jam. Tehran: Ney; 1984. [in Persian]
- Navabi M. Davari Shirazi. *Faculty of Literature and Humanity Magazine*. 1956. [in Persian]
- Romi S. [*Shiraz Dar Shere Shaeran*]. Shiraz: Navid; 2010. [in Persian]
- Rovhani Vesal A. [*Golshan Vesal*]. Shiraz: Navid; 2007. [in Persian]
- Sami A. [*Shiraz Shahr-e-Javidan*]. Shiraz: Mousavi; 1969. [in Persian]

